



مقدمه

موضوع روسیه همواره یکی از بحث‌های اصلی در سیاست خارجی آمریکا بوده، اما رویکرد واحدی به این مساله در میان رهبران و احزاب آمریکایی وجود نداشته است. بر این اساس نیز تاریخ روابط واشنگتن و مسکو پس از فروپاشی اتحاد شوروی تاکنون شاهد حرکت سینوسی متناوبی از روابط پر تنش و به عبارتی جنگ سرد تا تنش زدایی بوده است. در نتیجه در اواخر دوره ریاست جمهوری باراک اوباما و به ویژه پس از بحران اوکراین به نظر می‌رسید به سبب بیش از دو دهه تجربه روابط متنوع بین روسیه و آمریکا، اینبار دیگر روابط دو کشور در مسیر بدون بازگشت جنگ سرد قرار گرفته است. اما روی کار آمدن دونالد ترامپ در واشنگتن با شعار عادی سازی روابط با مسکو، این شریط را تغییر داد و احتمال آغاز دوره دیگری از تنش زدایی در روابط آمریکا و روسیه را افزایش داد. این در حالی است که تکرار حرکت سینوسی در رابطه دو کشور منتقدان زیادی به ویژه در آمریکا دارد. یکی از جدی‌ترین انتقاداتی که مخالفان دونالد ترامپ به او وارد می‌کنند این است

که اتخاذ سیاست مصالح جویانه در برابر روسیه، بار دیگر به احیای قدرت مسکو کمک کرده، سهم خواهی روسیه در معادلات بین‌المللی از آمریکا را افزایش داده و در دور بعد، تنش احتمالی بین دو کشور مخاطره آمیزتر خواهد بود. به همین سبب موضوع روسیه اکنون به موضوعی در مناقشات داخلی آمریکا تبدیل شده است. علی‌رغم رویکرد تساهل جویانه دولت ترامپ نسبت به روسیه، یک مقاومت و قاطعیت خاصی از سوی ساختار حکومتی آمریکا در برابر هر چیزی که به نام روسیه ختم می‌شود، وجود دارد. نهادهای اطلاعاتی، امنیتی و رسانه‌ای آمریکا با دقت تمام روابط دولتمردان جدید این کشور با روس‌ها در تمام سطوح را مورد بررسی قرار می‌دهند. تاکنون این اقدامات موجب استعفای مایکل فلین مشاور امنیت ملی ترامپ و فشارهای بسیار بر جف سشن، دادستان کل آمریکا به دلیل دیدار با سرگئی کیسلیاک سفیر روسیه در آمریکا و کنار گذاشته شدن تعداد دیگری از گزینه‌های مد نظر ترامپ از تصدی پست‌های کلیدی شده است. اما در این میان استراتژیست‌هایی در آمریکا درباره روابط دوباره روسیه و آمریکا

۲ نقشه راه دولت ترامپ در رابطه با روسیه

ناشی از چین، کره شمالی، روسیه، ایران، کوبا و ونزوئلا و داعش مقابله کند. وی با اشاره به فاصله گرفتن فزاینده شوروی و چین در دوران جنگ سرد و عدم بازگشت این رابطه به دوران گرمی روابط دهه ۱۹۵۰، به اختلاف منافع روسیه و چین در آسیای مرکزی اشاره کرده و می نویسد آمریکا در دوران ریاست جمهوری باراک اوباما برخورد متفاوتی با روسیه و چین داشت. واشنگتن در حالی که برای محدود کردن چین استراتژی محور یا توازن را انتخاب کرده بود و در سیاستی خصمانه غیرشفاف به تقویت پیوندهای اتحاد، افزایش نیرو و مانورهای نظامی در همسایگی چین اقدام می کرد، در برابر روسیه با دعوت از اعضای قدیمی پیمان ورشو به ناتو، حمایت از انقلاب‌های رنگی علیه دولت‌های متحد روسیه در گرجستان و اوکراین، سیاست تغییر رژیم در سوریه، اعمال تحریم‌های اقتصادی علیه روسیه و استقرار نیروهای نظامی ایالات متحده در اروپای شرقی، سیاست آشکارا خصمانه را برگزیده بود. نتیجه این سیاست‌ها افزایش همکاری بین چین و روسیه بود.

باندو تاکید دارد روسیه و چین متحدان رسمی نظامی نیستند اما **بی‌اعتمادی به آمریکا** موجب شده آنها بر اختلاف‌ها غلبه کنند تا با همکاری نفوذ آمریکا را محدود سازند. بر این اساس اگر ترامپ موفق به بهبود روابط با روسیه شود، جبهه مشترک روسیه و چین علیه آمریکا را دلسرد خواهد کرد. سیاستی که زمانی ریچارد نیکسون ارائه کرد؛ یعنی برقراری رابطه با حداقل یکی از قدرت‌های مهم در میان بازیگرانی که بطور بالقوه در برابر آمریکا صف کشیده‌اند.^۲

دستورالعمل‌هایی برای دولت ترامپ تجویز می‌کنند که شامل چند محور عمده زیر است.

۱- تقدم امنیتی چین بر روسیه

جلوگیری از تشکیل محور روسیه-چین رویکرد اصلی استراتژیست‌های آمریکایی به رابطه با روسیه در دوره ترامپ است. جاکوب استوکز در فارین افیرز در مقاله‌ای تحت عنوان روسیه و اتحاد پایدار چین می‌نویسد برخی از تحلیلگران به دونالد ترامپ رئیس جمهور آمریکا پیشنهاد می‌کنند هرگونه تلاش برای گرم ساختن روابط با روسیه را به عنوان یک گام در جهت مقابله با چین و نزدیک شدن مسکو به پکن بردارد. بر اساس دیدگاه این تحلیلگران دو چالش فرا روی ایالات متحده وجود دارد که یکی افراط گرایی اسلامی و دیگری چین است و برای مقابله با هر دو این چالش‌ها، روسیه شریک بالقوه ایالات متحده محسوب می‌شود. این استراتژی بر اساس نسخه تاریخی هنری کسینجر مشاور امنیت ملی آمریکا در دوره ریاست جمهوری ریچارد نیکسون در اوایل دهه ۱۹۷۰ ارائه می‌شود. البته استراتژی جدید روش معکوس را دنبال می‌کند. در آن دهه، آمریکا رابطه با چین را برای تنها گذاشتن اتحاد جماهیر شوروی می‌خواست و اکنون برعکس از مسیر رابطه با روسیه به دنبال جلوگیری از یک پیوند اوراسیایی بلندپروازانه بین پکن و مسکو است.^۱

۲- ضرورت ممانعت از اتحاد چین و روسیه

داگ باندو در تحلیلی با عنوان استراتژی نیکسون برای شکستن محور روسیه و چین، می‌نویسد ایالات متحده ظاهراً دیگر به تنهایی نمی‌تواند با تهدیدهای

2. Doug Bandow, "A Nixon Strategy to Break the Russia-China Axis", <http://nationalinterest.org/>, January 4, 2017

1 Jacob Stokes, "Russia and China's Enduring Alliance", <https://www.foreignaffairs.com>, February 22, 2017

۳- نتیجه‌بخش نبودن سیاست تحریم‌ها

توماس گراهام مدیر موسسه کسینجر که از وی به عنوان سفیر احتمالی ایالات متحده در روسیه یاد می‌شود و به نظر می‌رسد به لحاظ فکری با وزیر خارجه جدید آمریکا نزدیک است، معتقد است که باید در برابر روسیه به فکر یک سیاست فکر شده جایگزین بود. او با طرح این مسأله که آیا مجازات، مجازات، مجازات، ما را به اهدافمان رسانده است؟ بر عدم نتیجه‌بخش بودن سیاست تحریم علیه روسیه تاکید می‌کند. او بر خطرات ناشی از منزوی ساختن روسیه متمرکز شده و می‌افزاید افزایش تحریم‌ها به حل و فصل بحران اوکراین کمک نمی‌کند و در راستای منافع استراتژیک ما نیست که اقتصاد روسیه بیش از حد تضعیف شود و به سمت محور چین برود. ما نیازمند نگاه به روسیه در یک مفهوم جهانی هستیم.^۳

۴- ضرورت مدیریت کردن رفتار روسیه

الگن رومر، ریچارد سکولوسکی و اندرو ویس در مقاله مشترک برای فارین افیرز با اشاره به نقاط اختلاف و افتراق متعددی که در سال‌های اخیر در روابط روسیه و آمریکا ایجاد شده و تخصص بین آنها را شدت بخشیده، به دونالد ترامپ پیشنهاد می‌کنند در رابطه با روسیه به جای حل و فصل دایمی اختلاف‌ها، به مدیریت ماهرانه این تنش‌ها اقدام کنند. به زعم این کارشناسان تلاش برای دلجویی از ولادیمیر پوتین، احتمالاً منجر به درخواست امتیازهای یکجانبه از سوی وی شده و پوتین را به

3. "How To Salvage U.S.-Russia Relations: One Expert's Take", January 18, 2017, Flowed by: <http://www.npr.org/sections/parallels/2017/01/18/510437906/how-to-salvage-u-s-russia-relations-one-experts-take>

ادامه سیاست‌های گذشته در برابر آمریکا تشویق می‌کند. در همین حال ادامه سیاست‌های گذشته آمریکا در برابر روسیه نیز دارای ریسک بزرگی بوده و برای مسکو تحریک‌آمیز است. این به معنای آن است که آمریکا باید از هر دو روش فشار و همکاری با این کشور استفاده کند. این کارشناسان آمریکایی می‌نویسند هر چند تحریم‌های اقتصادی و کاهش بهای انرژی بر اقتصاد روسیه ضربه‌های محکمی وارد کردند، اما تاثیری در سیاست خارجی روسیه نداشتند. اگر چه او باما رد می‌کرد اما روسیه فراتر از یک قدرت منطقه‌ای است و حتی اگر پذیرفت که قدرت روسیه رو به زوال است، تاریخ نشان داده است که چنین دولت‌هایی می‌توانند خسارت‌های قابل توجهی به دیگر بازیگران وارد کنند.

تحلیل‌گران فوق معتقدند که آمریکا در روابط خود با روسیه چند اصل زیر را باید مورد توجه قرار دهد:

۱. دولت ترامپ برای روس‌ها روشن بسازد که تعهد آمریکا به متحدان خود در ناتو بدون قید و شرط است. برای این هدف، آمریکا باید یک سری از اقدامات مداوم چون تقویت آرایش نظامی در شرق اروپا را انجام دهد.

۲. ایالات متحده باید خواستار رعایت اصول مندرج در سند نهایی توافق هلسینکی ۱۹۷۵ و منشور پاریس ۱۹۹۰ یعنی به رسمیت شناختن مرزهای موجود و حق همه کشورها برای انتخاب متحدان شود. در این رابطه هر چند بازگشت کریمه به اوکراین دور از ذهن است اما تمام تحریم‌های آمریکا و اروپا علیه روسیه در این رابطه باید حفظ شود.

۴ نقشه راه دولت ترامپ در رابطه با روسیه

برابر انتخاب‌های دشواری در برابر متحدان خود از جمله چین قرار می‌دهد. آنچه کارشناسان آمریکایی توصیه می‌کنند و برآوردها از سخنان ترامپ نشان می‌دهد اولویت واشنگتن همکاری با روسیه برای حل برخی بحران‌ها و کاهش هزینه‌های آمریکا در اهداف تاکتیکی و راهبردی است و نه حل و فصل اختلاف‌ها در رابطه دوجانبه.

البته به همان نسبت که استراتژیست‌های آمریکایی درصدد هستند که تنش‌زدایی سیاسی با روسیه، به معنای واگذاری امتیازهای سیاسی-اقتصادی استراتژیک به روسیه نباشد، استراتژیست‌های روس نیز احتمالاً به دنبال تاکتیک‌ها و راهبردهایی برای اخذ بیشترین امتیاز با کمترین هزینه خواهند بود. اما در کل این چالش‌ها نشان می‌دهند عادی‌سازی روابط آمریکا و روسیه در مسیری دشوار قرار دارد و در این میان روس‌ها به دلیل محدودیت‌های اقتصادی و بین‌المللی قدرت انتخاب کمتری دارند.

به تبع بر این اساس آمریکا اگر پایبند به این استراتژی کلان یعنی جلوگیری از تشکیل محور چین و روسیه و استفاده از همکاری مسکو برای حل بحران‌های منطقه‌ای و بین‌المللی باشد، راهبردهای تاکتیکی بیشتری در اختیار دارد. اظهارات بعدی ترامپ درباره سردی روابط آمریکا و روسیه، پس از انتقادهایی که پوتین از واشنگتن بعد از حمله هوایی آمریکا به خان شیخون داشت را هم باید در این راستا ارزیابی کرد. ضمن اینکه قابل توجه است دیدار زودهنگام شی جین پینگ رئیس‌جمهور چین با دونالد ترامپ در واشنگتن در حالی انجام شد که از قبل انتخابات آمریکا بیشتر انتظار می‌رفت ترامپ و پوتین خیلی زود با هم دیدار کنند و این نیز به نوبه

۳. رابطه دوباره با روسیه نباید به معنای رها کردن همسایگان روسیه باشد. تلاش روسیه برای ایجاد حوزه نفوذ در همسایگی خود به معنای تضعیف جایگاه آمریکا در جهان است. بنابراین ایالات متحده و متحدانش باید نسبت به عمیق‌تر شدن درگیری در این منطقه پیچیده هوشیار باشند.

۴. واشنگتن و شرکای آن در اتحادیه اروپا باید از طریق دیپلماسی ماهرانه و با اختصاص منابع به اصلاحات سیاسی و اقتصادی اوکراین کمک کنند. اگر اوکراین پشتیبانی مداوم غربی را دریافت کند و موفق شود، می‌تواند تاثیر مثبتی بر رویکرد حکومت بالا به پایین کرملین داشته باشد.

۵. آمریکا باید به حمایت از دموکراسی در روسیه ادامه دهد.

کارشناسان آمریکایی توصیه می‌کنند دولت ترامپ در گفتگو با روسیه ۴ اولویت را حفظ کند:

۱. دولت ترامپ باید به دخالت روسیه در انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده پاسخ دهد.
۲. روسیه باید به توافقات با آمریکا در زمینه سوریه پایبند باشد.

۳. آمریکا باید از ابزارهای دیپلماتیک برای کاهش جنگ مسلحانه در شرق اوکراین استفاده کند
۴. نظام روسیه باید به نوسازی تشویق شود.^۴

نتیجه گیری

مجموع ارزیابی‌ها نشان می‌دهد هر چند رئیس‌جمهوری جدید آمریکا امید روسیه به بهبود روابط مسکو و واشنگتن را افزایش داده، اما کرملین را در

4. Eugene Rumer, Richard Sokolosky, Andrew S. Weiss, "Trump and Russia: The Right Way to Manage Relations", Foreign Affairs, February 13, 2017

خود مبین کثرت گزینه‌های واشنگتن برای اهداف کوتاه- میان و بلندمدت در رابطه با روسیه است.

به نظر می‌رسد بر همین اساس نیز خوش‌بینی روس‌ها به تغییر شرایط در رابطه با آمریکا جای خود را به تردید و انتظار داده است. در حالی که از سوی دیگر به دلیل فشارهای داخلی بسیاری که بر دولت ترامپ در رابطه با آمریکا وجود دارد، دولت جدید واشنگتن نیز حتی برای برداشتن اولین گام سیاست صبر و انتظار را در پیش گرفته است.

البته نباید دور از ذهن داشت که در چنین شرایطی یک اتفاق غیرقابل پیش‌بینی مثبت یا منفی چه در روابط دو کشور و چه در سطح بین‌المللی می‌تواند نقش کاتالیزور در به حرکت در آوردن این رابطه باشد. با این حال با لحاظ وجوه مختلف درباره روابط آمریکا و روسیه، دیر یا زود حرکت سینوسی روابط واشنگتن و مسکو یک دور دیگر به نقطه تنش‌های فزاینده باز خواهد گشت.

فئودور لوکیانوف رئیس شورای سیاست خارجی و دفاعی روسیه، پس از سفر تیلرسون وزیر خارجه دولت ترامپ به مسکو می‌گوید؛ استقبال گرم پوتین از تیلرسون نشان دهنده این واقعیت است که روسیه تمایلی به رویارویی با آمریکا ندارد.^۵ تومایس رایت عضو موسسه بروکینگز نیز معتقد است که تمایل روس‌ها برای بهبود مناسبات و توسعه همکاری با آمریکا در دوره ترامپ کاهش نیافته و بنابراین ترامپ با دست باز می‌تواند در اینباره عمل کند.^۶

5. See more: <https://www.bloomberg.com/politics/articles/2017-04-12/tillerson-lavrov-seek-to-bridge-differences-that-remain-wide>

6. See more: <https://www.bloomberg.com/politics/articles/2017-04-12/tillerson-lavrov-seek-to-bridge-differences-that-remain-wide>

